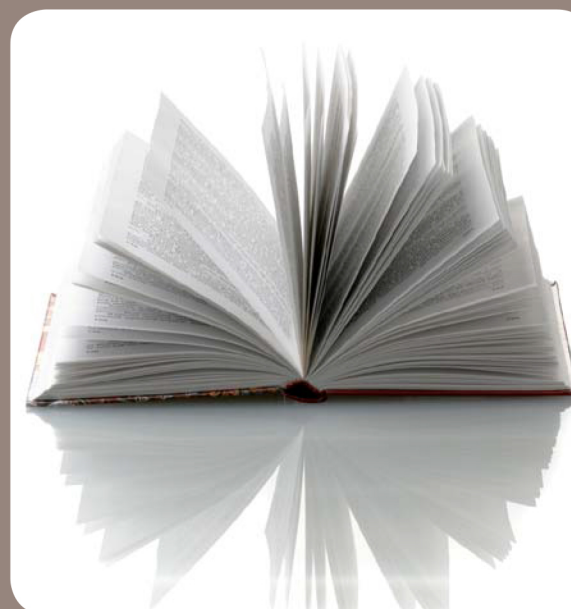


موضوعی، بخوانم یا نخوانم؟

امیرحسین اخوین - مشاور تحصیلی



با شروع شدن فصل بهار، اردوهای مدارس برگزار می‌شوند و طولی نمی‌کشد که متن کتاب‌های درسی سال آخر هم به پایان می‌رسد. حالا دیگر دانش‌آموزها تمام متن‌هایی را که باید در این چند سال بخوانند، خوانده‌اند. بعضی‌ها در این دوره گیج می‌شوند که از این به بعد باید چه کار کنند. به طور کلی بعد از تمام شدن متن کتاب بر اساس روند سال تحصیلی و آموزش و پرورش، دو راه عمده پیش پای داوطلب است:

الف) خواندن موضوعی دروس ب) خواندن و مرور دروس از اول و به ترتیب

حالا باید ببینیم که از بین این دو روش، کدام یک مناسب‌تر است. شاید شما هم دقت کرده باشید که وقتی مطالب یکی از کتاب‌های درسی مثل دین و زندگی را به ترتیب از درس اول از شما می‌پرسند، به راحتی می‌توانید تک تک پرسش‌ها را پاسخ بدهید و حتی پرسش بعدی را هم پیش‌بینی کنید (البته اگر خوب همه چیز را حفظ کرده باشید!) ولی اگر ناگهان نظم و ترتیب را به هم بزنند و برای مثال یک مرتبه از درس پنجم به درس دوازدهم بروند، ممکن است شما دیگر نتوانید به پرسش‌ها جواب بدهید یا ممکن است با تسلط قبل جواب ندهید.

مساله چیست؟

باید بدانید که اطلاعات در مغز ما به گونه‌ای خاص طبقه‌بندی می‌شوند. مثلاً فرض کنید وقتی که درس پنجم دین و زندگی را می‌خوانداید، هم‌زمان صدای آواز پرنده‌ها از بیرون به گوش می‌رسیده‌است و بوی غذای خاصی مثل قرمه‌سبزی در خانه‌تان پراکنده بوده‌است. مغز شما این سه مؤلفه (یعنی بوی غذا، صدای پرنده‌ها و خواندن درس پنجم دین و زندگی) را در کنار هم طبقه‌بندی می‌کند و هر گاه شما به دو مؤلفه‌ی آن نزدیک شوید، امکان بازیابی اطلاعات دسته‌ی سوم هم بیشتر می‌شود. برای مثال اگر موقع شنیدن آواز پرنده‌ها از شما همان درس را بپرسند، احتمال این که پرسش‌های آن درس را درست جواب بدهید بالاتر می‌رود.

ربط ماجرا به داستانِ درس خواندن چه بود؟

در صورتی که شما درس‌ها را به صورت ترتیبی و از اول به انتها خوانده باشید، هر گاه کسی از شما درس‌ها را به ترتیب بپرسد، به دلیل قرار گرفتن

در فضای ترتیبی ذهن‌تان که مشابه زمان خواندن همان دروس است، خیلی راحت‌تر می‌توانید اطلاعات درس بعدی را بازیابی کنید؛ چرا که ترتیب درس پرسیدن درست مانند درس خواندن شماست. اما مساله این جاست که در آزمون سراسری خبری از نظم و ترتیب در پرسش‌ها نیست و هر لحظه ممکن است از هر جای کتاب پرسشی پیش روی‌تان قرار گیرد. به همین دلیل، اگر بعد از تعطیلات را به خواندن منظم و پیوسته‌ی درس‌ها از اول تا آخر بپردازید، هر چه بیشتر ذهن‌تان به همین شکل طبقه‌بندی می‌شود و آن وقت ممکن است در بازیابی اطلاعات به صورت پراکنده، دچار مشکل شوید.

چاره چیست؟

خواندن موضوعی. حالا که دیگر تمام درس‌ها را به ترتیب خوانده‌اید و مواد خام تمام دروس در اختیار شماست، لازم است که یک بار دیگر اطلاعات خودتان را با روشی جای‌گزین طبقه‌بندی کنید تا مطمئن شوید که اولاً درس‌ها را خوب و درست خوانده بودید یا نه، و ثانیاً ذهن‌تان به خواندن موضوعی عادت کند تا در جلسه‌ی آزمون سراسری دچار مشکل نشوید. پرسش‌های آزمون سراسری نه به ترتیب کتاب، بلکه به صورت موضوعی مقابل‌تان قرار می‌گیرند. در واقع خواندن موضوعی، شما را برای مهارت تست زدن در آزمون سراسری آماده می‌کند. مثلاً اگر پیش از این در یک امتحان به شما می‌گفتند از پنج درس اول ادبیات ۲ امتحان دارید، حالا یک مرتبه از واژه‌های سال سوم به شما پرسش می‌دهند و چند پرسش بعد، از آرایه‌های ادبی که شاید ربط مستقیمی به هیچ کدام از بخش‌های کتاب نداشته باشد.

اگر دقت کرده باشید، در امتحان‌های مرحله‌ای طول سال، مطالب درس‌ها نه به صورت موضوعی، بلکه به صورت ترتیبی از کتاب‌ها طرح می‌شوند و در پایان به نقطه‌ای می‌رسند که شما باید تمام کتاب‌ها را طی آن‌ها مرور کرده باشید. اما در پایان که امتحان‌های جامع برگزار می‌شود، درست مثل آزمون سراسری اصلی، شما دیگر نه فرصت خواندن جزء به جزء دروس را دارید و نه نیازی به این کار هست. به همین دلیل باید مرور موضوعی درس‌ها را در اولویت بگذارید و هر گاه احساس کردید در قسمتی مشکل دارید، به کتاب درسی و کتاب‌های کمک آموزشی مراجعه و کمبودهای‌تان را جبران کنید.